



خیرمقدم مرد نعلبکی به دهن!

زحمتکشان گمنام نسل قدیم فوتبال ایران
از امجدالاسلام و طباطبایی تا هژبر و عشقعلی...

جوانی به ملک عراق فرستاد برای تحصیل دینی تا نور دیده‌اش در جه اجتهاد دریافت کرده و به قزوین برگردد. برگردد که در قالب یک مصلح اجتماعی، هم نقشی در هدایت مردم قزوین بر عهده بگیرد و هم املاک و موقوفات بی‌شمار طایفه شیخ‌الاسلامی‌ها را اداره کند. سیدعبدالله با سلام و صلوات رفت اما نتوانست بیشتر از سه سال تحصیل در کربلای معلی دوام آورد. هنگامی که دید دیگر هوای آن شهر با مزاجش سازگار نیست به قزوین بازگشت و پدر از دیدنش اخم و تخم کرد. او در قزوین به‌مرور عاشق و حیران گوشه‌های موسیقی ملی ایران شد و به‌طور پنهانی در محضر جوادخان تلمذ کرد و با این ذهن موسیقایی‌اش بیشتر از چشم پدر افتاد. سیدحسین امجدالاسلام چنان علیه پسر متجدد خود

نکرد که بالاخره با سیانور خودکشی کرد. اما به‌راستی که مرد مبارزی چون او را چه به سیانور؟ مالک زمین‌های امجدیه درست در همان سالی که بنای امجدیه را در زمین‌هایش آجر به آجر بالا می‌بردند و تهرانی‌ها از شادی در پوست خود نمی‌گنجیدند که استادبوم‌دار می‌شوند راه اختیاری عدم را رفت، با این همه اما تا ابد نامش روی امجدیه پیر ماند؛ روی امجدیه‌ای که اتوییای تاریخ ورزش ماست و زیباترین خاطرات ورزش در دهه‌های ۲۰ تا ۵۰ را در قلب کبود خود نوشته است. هنوز درباره اینکه او سیانور را در سال ۱۳۱۷ از کجا پیدا کرده والله مانده‌ام. سیانور و آمیرزا عبدالله امجدالوزاره. الله اکبر. الله اکبر از این سیدعبدالله که متولد قزوین بود به سال ۱۲۵۷. پدرش سیدحسین امجدالاسلام او را در ابتدای

تاریخ دراز به دراز افتاده‌اند. شاید این گزارش-قصه، ادای احترامی است به همه آنها.

خودکشی زمین‌دار امجدیه

سیدعبدالله امجدالاسلام حالا دیگر استخوان‌هایش پودر شده است. الان که دستخط‌های نستعلیق سیدعبدالله را خطاب به همسرش عزیزالملوک می‌بینم، از زیبایی‌اش کف و خون بالا می‌آورم. اگر او نبود پس امجدیه هم نبود که بیش از هشت‌دهه خاطرات ما را به مرگ آلودگی وصله بزند. دنیا آنقدر با زمین‌دار متمدن امجدیه به‌عنوان یک انقلابی مشروطه‌چی و عکاس نسل اولی که خیلی‌ها آرزوی تمول او را داشتند خوب تا



ابراهیم افشار

Ebrahim Afshar

مقدمه: فوتبال ایران در این صد و ده، بیست سالی که از عمر راه‌اندازی مقدماتی‌اش می‌گذرد زحمتکشان گمنام بسیاری را به خود دیده است؛ از امجدالاسلام که زمین‌هایش را به مؤسسان امجدیه فروخت تا نسل هژبر که از اولین توپ جمع‌کن‌های امجدیه بود و از برف پارو کردن تا باد زدن به توپ‌های وسمه‌ای کارش بود. از کریم سیبیل که اولین رئیس امجدیه بود تا رضا طباطبایی گوینده خوش‌صدای امجدیه اکنون همگی در گستره